

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال چهارم، ویژه نامه اقتصاد مقاومتی، پاییز ۱۳۹۵ / صفحات ۳۲-۱

آینده پژوهی سازمان‌های دولتی ایران متناسب با الزامات اقتصاد مقاومتی

محمد مبینی^۱، غلامرضا معمارزاده طهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

چکیده

هدف این پژوهش آینده‌پژوهی سازمان‌های دولتی ایران متناسب با الزامات اقتصاد مقاومتی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش خبرگان سازمان‌ها هستند. برای گردآوری داده‌ها از دو نوع پرسشنامه‌ی تأثیرات متقابل و عدم قطعیت، با روش دلفی و مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته استفاده شده است. با تحلیل ساختاری، تأثیرات غیر مستقیم هر یک از متغیرها و عوامل تأثیرگذار در کل سیستم شناسایی شد و با به کارگیری زنجیره‌ی مارکوف تأثیرات غیرمستقیم هر یک از عوامل و متغیرها محاسبه گردید. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که افزایش یا کاهش «حمایت از بخش خصوصی و غیر دولتی» و «ایجاد ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها و تشکیلات دولتی» برای تحقق اقتصاد مقاومتی دو عدم قطعیت پیش‌روی این سازمان‌ها است. میزان اندازه دولت و تعریف نقش مناسب برای آن و همچنین خصوصی‌سازی و فرآیند محوری، در خصوص تحقق اقتصاد مقاومتی بر آینده‌ی سازمان‌های دولتی تأثیر گذارند.

واژگان کلیدی: آینده پژوهی، سازمان‌های دولتی، عقلانیت، نهادی و همشکلی.

۱. نویسنده مسئول، استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران.

Email: mobini20@yahoo.com

مقدمه

به علی‌رغم اینکه در مقدمه قانون اساسی به ایجاد نظام اجرایی با کارآئی بیشتر و سرعت افزون‌تر تاکید شده است لکن در برنامه‌های مختلف توسعه پنج ساله و قانون مدیریت خدمات کشوری در مورد طرح آینده سازمان‌های دولتی ایران بحثی به میان نیامده است. همچنین سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به عنوان ترسیم از آینده مطلوب جامعه ایرانی، موضوع آینده دولت و سازمانها را مورد توجه قرار نداده است و از نقش کلیدی و محوری دولت در تحقق چشم‌انداز و عامل مؤثر در تمام شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مغفول مانده است. سازمان آینده همانند یک حکمرانی خوب است. اتریونی (۱۹۶۱) معتقد است که دولت بایستی در ۳ نقش، اقدامات نظم‌دهی^۱ (ایجاد نظم)، نقش اقتصادی^۲ و نقش فرهنگی^۳ ظاهر شود. بنابراین دولت برای اقدامات نظم‌دهی از طریق زور، برای اقدامات اقتصادی از سودمندی و برای اقدامات فرهنگی از هنجار استفاده می‌کند. حال سؤال این است که بر اساس این وظایف، چه ساختاری برای دولت نیاز هست؟ اگر مطابق نظر اتریونی بپذیریم که دولت در سه نقش تنظیمی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه ظاهر می‌شود و از طرف دیگر سه وضعیت عقلایی (وبر، ۱۹۲۱)، نهادی^۴ (سلزنیک، ۱۹۸۴) و نهادینگی جدید^۵ (دیماجیو و پاول، ۱۹۹۱) را برای طرح سازمان‌های آینده قائل شویم، می‌توان نه سؤال را در این زمینه عنوان کرد و برای هر یک از سازمان‌های سه‌گانه (تنظیمی، اقتصادی و فرهنگی) از لحاظ میزان عقلایی بودن، نهادی بودن و همشکلی (نهادینگی جدید) سؤالات جداگانه‌ای را مطرح ساخت.

سؤال اصلی این است که با توجه به این سند و الزامات اقتصاد مقاومتی، ساختار دولت در آینده (۱۴۰۴) و یا دقیق‌تر، ساختار سازمان‌ها در آینده چه شکلی باید باشد تا از اثربخشی لازم برای تحقق اقتصاد مقاومتی برخوردار شود؟

در مورد طرح‌های سازمان‌های آینده، اجماع نظر وجود ندارد و فقدان اجماع خلایی را بوجود آورده است و دستیابی به چنین طرحی ضرورت محسوب می‌شود. پژوهش حاضر تلاشی است در مسیر رصد موضوعات تأثیرگذار در حیطه‌ی آینده سازمان‌ها و می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات جدی، فراگیر و تأثیرگذار آینده برای تصمیم‌گیریهای مناسب باشد؛ اگرچه آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ اما انجام مطالعات این‌چنینی در حوزه آینده می‌تواند دولت، مردم و نهادهای مختلف برنامه‌ریز را به‌اندیشیدن درباره معنای بهتر و بدتر در تصویر

-
- 1 Order Goals
 - 2 Economic Goals
 - 3 Cultural Goals
 - 4 Institutional Theory
 - 5 Isomorphism

بلندمدت وادارد و بدین ترتیب اراده تأثیر بر آینده را به وجود آورد. حال باید دید عوامل مؤثر در طراحی ساختار آینده سازمان‌ها در آینده کدامند؟ و یا به عبارت دیگر، ویژگی‌های سازمانهای دولتی آینده کدامند؟

۱. ادبیات تحقیق

۱-۱. مروری بر پیشینه آینده پژوهی و پژوهش‌های آینده سازمانها در جهان

طی ۴۰ سال گذشته با اوج گرفتن تفکر راهبردی، به تدریج نظر کشورها، سازمانهای جهانی و بنگاه‌های کوچک و بزرگ به مطالعات آینده به عنوان زمینه‌ساز برنامه‌ریزی راهبردی جلب شده تا جایی که بخش مطالعات آینده بخش لاینفک هر سازمان تحقیقاتی که به موضوعی کلان، مهم و راهبردی می‌پردازد را تشکیل می‌دهد (استوکر، ۲۰۰۹).

نکته قابل توجه در مطالعات آینده آن است که آینده پژوهی به پیش‌بینی قطعی آینده نمی‌پردازد؛ بلکه عوامل شکل دهنده، شناسایی، مطالعه و مورد بحث واقع می‌شوند؛ سپس چالش‌ها و موضوعات پیش‌رو شناسایی می‌شوند تا بتوان با ارائه رهکارهای مناسب برای برخورد با آنها برنامه‌ریزی نموده، از بروز چالشها و تحقق آینده نامطلوب جلوگیری کرد (قدیری، ۱۳۸۴). در حال حاضر استفاده از مطالعات آینده در برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریهای کلان تا جایی پیش رفته است که بسیاری از کشورها پروژه‌هایی ملی را تحت عنوان "آینده‌نگاری ملی" در فواصل زمانی مختلف تعریف و اجرا می‌کنند و از پیش‌بینی‌های حاصله از نتایج به دست آمده، به برنامه‌ریزی‌های راهبردی میان مدت و کوتاه مدت خود می‌پردازند. پیشروان مجری این طرح‌ها را کشورهای ژاپن، آلمان و انگلستان تشکیل داده‌اند و در کشورهای در حال توسعه نظیر ترکیه و آفریقای جنوبی نیز انجام شده است که در تمامی این کشورها نتایج طرح‌های آینده پژوهی قابل توجه بوده است (انزمن، ۲۰۱۱).

۱-۲. آینده پژوهی وضعیت سازمان‌ها در ایران

روش‌های مختلفی برای آینده پژوهی و شناخت آینده وجود دارد که در این مقاله روش سناریوپردازی به منظور درک بهتر الزامات آینده سازمان‌ها معرفی می‌شود. لذا با توجه به هدف این پژوهش که همان آینده‌پژوهی طرح سازمان‌های دولتی ایران ۱۴۰۴ می‌باشد لازم است ابتدا سناریوهای کلان در خصوص آینده‌ی این سازمان‌ها تصویر شود و سپس در هریک از این سناریوهای کلان تدوین شده، طرح آینده

1Stoker

2Enzmann

3Scenario Planning

سازمانهای دولتی تنظیمی، اقتصادی و فرهنگی و ویژگیهای آنها، تحلیل و به پرسش‌های پژوهش در هر یک از سناریوها پاسخ داده شود (لئونارد و بیر، ۱۹۹۴).

سناریوپردازی یک فن شناخته شده برای اندیشیدن و برنامه‌ریزی پیرامون آینده‌های ممکن و رویکردی منعطف برای دستیابی به استنباطی درست از اوضاع و گرایش‌های پیچیده آینده است. سناریوپردازی مبتنی بر عدم ثبات و تغییر مداوم یک پیش‌بینی است. این روش در بهبود مدیریت بسیاری از حوزه‌ها از جمله صنعت، تجارت، امور دفاعی، سلامت و امور پژوهشی به کار گرفته شده است. سناریوها تصاویری متفاوت (و بعضاً واگرا) از آینده‌های محتمل، باور پذیر، چالش برانگیز، به هم وابسته و سازگار هستند که چگونگی امکان نگرستن به آینده را امکان پذیر می سازند و می‌توانند برای ایجاد آمادگی در مقابل تحولات ناگهانی در آینده به کار گرفته شوند. سناریوها به سه دسته خوش‌بینانه، واقع‌بینانه (محتمل‌ترین) و بدبینانه تقسیم می‌شوند (مظفری، ۱۳۹۰). در سناریونگاری، پس از شناسایی عوامل کلیدی تأثیرگذار در یک سیستم، لازم است تا پارامترهای مستقل و وابسته شناسایی شوند (شوارتز، ۱۹۹۱). به منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار و عوامل تأثیرپذیر، لازم است.

۳-۱. آینده سازمان‌ها

مدیریت امروز بر پایه نظم سازمان‌های بوروکراتیک بنا شده است یعنی سازمان‌هایی که چارلز هندی به آپولو، خدای نظم، نسبت‌شان می‌دهد. ولی مدیران امروز مدیریت سازمان‌های شبکه‌ای را پیش رو دارند که بر پایه آزادی شکل می‌گیرند و و دیونیسوس، خدای آزادی، نماد مدیریت آنها است. در سازمان‌های شبکه‌ای نسلی به کار اشتغال دارد که بر خلاف نسل پیشین بیشتر متکی به رویاهایش زندگی می‌کند تا حافظه‌اش. بنابراین آینده مدیریت در گرو استقرار پارادایم جدیدی است که بتواند راه را بر زندگی مسالمت‌آمیز نظم و آزادی در کنار هم میسر سازد. در درازای تاریخ دو پدیده نظم و آزادی همواره در تقابل با هم انگاشته می‌شدند. پارادایم جدید مدیریت باید بتواند نظم عصر صنعت و نوآوری عصر خلاقیت را در کنار هم بنشانند، با هم آشتی دهد و به هم بیامیزد.

گری همل (۱۳۸۷)؛ بزرگان‌اندیش مدیریت، برای دست یافتن به مدیریت مناسب سده بیست و یک، رمزگشایی ژن مدیریت امروزی را توصیه می‌کند و بر این باور است که ژن مدیریت باید غنی‌سازی شود. همل در کتاب «آینده مدیریت»، چرایی این کار را در پاگذاردن بشر به عصر خلاقیت می‌داند و ویژگی‌های این عصر را از دید کسب و کار در قالب جمله زیبایی بیان می‌کند:

«به طور فزاینده در جهانی بی‌نظم‌تر زندگی می‌کنیم که در آن افراد بی‌نظم از ابزار بی‌نظم برای تولید محصولات بی‌نظم بهره می‌گیرند و منجر به سودهای بی‌نظم می‌شوند».

وی چگونگی انجام آن را در توان افزایی و میدان دادن به خلاقیت همه کارکنان می‌داند و در این زمینه می‌نویسد:

«باید بیاموزیم چگونه تلاش‌های هزاران نفر را بدون تحمیل لایه‌های زیادی از سرپرستان هماهنگ سازیم. هزینه‌ها را کنترل کنیم، بدون آن که تخیل انسانی را از بین ببریم و سازمان‌هایی بسازیم که نظم و آزادی را کنار هم داشته باشند».

گری همل مدیریت امروز را برای اداره دنیای امروز، عقب مانده و تاریخ گذشته می‌بیند. وی مشارکت، سازگاری و نوآوری را سه کلید راهگشا به آینده مدیریت و مدیران آینده می‌داند و بر این باور است که بشر با خلق اینترنت، تحقق این هر سه را در اوج به یک واقعیت تبدیل کرده است. همل شتاب گسترش روزافزون اینترنت را مرهون نبود سلسله مراتب و دیوان‌سالاری در آن می‌داند و پیروی از این الگو را برای بازپنداری مدیریت توصیه می‌کند.

به این ترتیب بازپنداری مدیریت پلی خواهد بود برای گذر از «انسان سازمانی» به «سازمان انسانی». همل اعتقاد دارد که ساختن سازمانی پراکنده آینده، مستلزم شناخت جایگاه بلند انسان و رهایش از به سخره گرفته شدن در قالب انسان سازمانی است و رساندنش به جایگاهی که به عنوان موجودی آگاه، هدفجو و خلاق، در خور اوست.

واقعیت این است که سازمان‌ها و شرکت‌های امروزی نه توسط مدیران عامل یا تیم‌های مدیریت یا مدیران میانی بلکه، توسط گروه کوچکی از نظریه پردازان و مدیران در گذشته اداره می‌شوند. آن‌ها کسانی هستند که قواعد و هنجارهای مدیریت نوین را در سال‌های اولیه سده بیستم ابداع کردند. ارواحی هستند که در ماشین کهنه و پوسیده مدیریت حضور دارند. فرمان آن‌هاست که در دهه‌ها طنین انداز بوده و به طور نامشهود شیوه‌های تخصیص منابع، بودجه‌ریزی، توزیع قدرت، پاداش‌دهی و تصمیم‌گیری را شکل داده است (همل، ۱۳۸۷).

نفوذ این پدرسالاران چنان چشمگیر است که تفاوت چندانی میان فنآوری مدیریت در موسسه‌های مختلف باقی نگذاشته است. سلسله‌مراتب مدیریتی اکثر سازمان‌ها تقریباً هم سان است. سیستم‌های کنترل، شیوه‌های مدیریت منابع انسانی و آیین‌های برنامه‌ریزی آنها فرق چندانی با هم ندارند و تکیه‌شان بر ساختارهای گزارش‌دهی و ارزیابی مشابهی است. به همین خاطر است که مدیران می‌توانند به آسانی از این سازمان به آن سازمان بروند: ابزارها و اهرم‌های مدیریت در کابین هدایت همه سازمان‌ها کامیاب‌تر هستند.

با وجود این و بر خلاف قوانین فیزیک، قوانین مدیریت از پیش تعیین شده و ابدی نیستند. خو شیخانه ابزارهای مدیریت اکنون زیر فشاری هستند که تاکنون سابقه نداشته است. تغییرات کمرشکن، مزیت‌های

زودگذر، فن‌آوری‌های ویران‌ساز، رقبات فتنه‌جو، بازارهای پراکنده، مشتریان قدرتمند و سهام‌داران عصیان‌گر، چالش‌های سده بیست و یکمی هستند که محدودیت‌های طراحی سازمان‌ها را در اکناف جهان را به آزمون می‌گیرند و محدودیت‌های مدل مدیریتی را به رخ می‌کشند که در همگامی با زمانه به شکست خورده است. پیش‌بینی درباره سازمان‌های جدید از دهه ۱۹۵۰، یعنی زمانی آغاز شد که پیتر دراگر برای نخستین بار بحث جهان‌فرا مدرن با حضور کارکنان علمی (دانش‌مدار) را مطرح کرد. نوری و برکلی (۱۹۹۴) معتقدند که از این زمان به بعد، نظریه‌پردازان مختلفی چون الوین تافلر (۱۹۷۰)، دانیل بل (۱۹۷۳)، شوشانا زوف (۱۹۹۸) و جک ولش (۱۹۸۹) مدیرعامل جنرال الکتریک، چارلز هندی (۱۹۸۹) با کتاب «مهندسی مجدد» و پیتر سنگه (۱۹۹۰) با کتاب «پنجمین فرمان» و ... به جرگه آینده‌نگران سازمانی پیوستند. این اندیشمندان و نظریه‌پردازان، دیدگاه‌های متفاوتی داشتند و به نتایج متفاوتی نیز دست یافتند؛ ولی چارچوب کلامی همه آن‌ها مشترک است: «جهان در حال تغییر است؛ پایان بوروکراسی سنتی رسیده و آینده، نیازمند سازمانی است متفاوت با آن چه در گذشته وجود داشته است.»

۱-۴. دولت

وظایف متعددی برای دولت در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ذکر شده است و یکی از این وظایف که ارتباط مستقیمی با مساله تحقیق دارد ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری از وظایف دولت ذکر شده است.

۱-۴-۱. جایگاه دولت در فلسفه سیاسی معاصر

بحث در میان اندیشمندان در خصوص حدود وظایف دولت ابعاد گسترده‌ای دارد و نشان دهنده دیدگاه‌های بسیار متفاوت و بعضاً متناقض است. در طیف وسیعی که تقریباً همه این دیدگاه‌ها را در بر می‌گیرد از یک سو دولت حداقلی قرار دارد و از سوی دیگر دولت سوسیالیستی تمام‌عیار (غنی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۵). منظور از دولت حداقلی عبارت است از محدود کردن حکومت مرکزی به وظیفه تامین امنیت داخلی و خارجی، صیانت از حقوق مالکیت شهروندان و تضمین اجرای قراردادها. از این دیدگاه کارکرد دولت صرفاً سیاسی حقوقی است و تخصیص منابع اقتصادی اساساً از طریق داد و ستدهای داوطلبانه (بازار آزاد) صورت می‌گیرد. در دولت سوسیالیستی تمام‌عیار، مالکیت منابع اقتصادی به دولت تعلق دارد و دولت علاوه بر وظیفه اولیه تامین امنیت، عهده‌دار تخصیص منابع اقتصادی نیز است (غنی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۵).

۱-۴-۲. حدود وظایف دولت در عمل

در واقعیت تجربی و تاریخی جوامع بشری هیچ کدام از این دو مدل به طور ناب تحقق نیافته است. یعنی در عمل کشورهای مختلف در داخل این طیف قرار داشته‌اند و تفاوت آنها در میزان نزدیکی یا دوری از سر دو طیف مشخص می‌شود. مثلاً دولت‌های رفاه در میانه متمایل به سو سیالیسم و دولت‌های کمتر مداخله‌گر در میانه متمایل به دولت حداقلی قرار می‌گیرند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱).

۱-۴-۳. تطور وظایف دولت در عصر جدید

امروزه در یک تقسیم‌بندی کلی نقش دولت را می‌توان به دو بخش تقسیم‌بندی کرد: بخش نخست ناظر به مواردی است که سازوکار بازار به دلایل مختلف دچار «شکست» می‌شود. در این بخش دولت با منطق اقتصادی در اقتصاد دخالت می‌کند. در بخش دوم مواردی را در بر می‌گیرد که نظام بازار به خوبی عمل می‌کند ولی نتیجه آن با نظام ارزشی جامعه سازگار نیست. در این حالت دولت دست به «بازتوزیع» مواهب می‌زند (نیلی، ۱۳۸۶: ۹۰-۸۹).

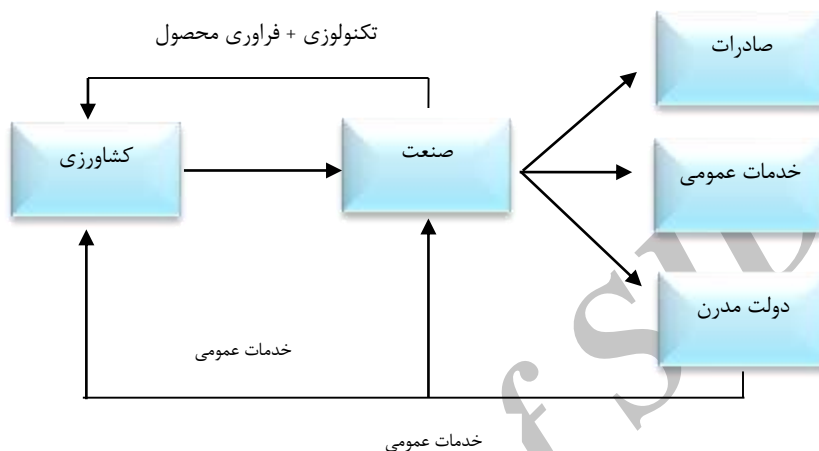
۱-۵-۵. نقش و اندازه دولت:

در اقتصادهای جهان، چهار مدل ایفای نقش دولت و بخش خصوصی وجود دارد که عبارتند از مدل اقتصادهای اولیه صنعتی (اروپا و آمریکا)، مدل اقتصادهای در حال گذار، مدل اقتصادهای نوظهور و نیز مدل اقتصادهای نفتی. نوع مناسبات دولت و بخش خصوصی در این چهار مدل با یکدیگر متفاوت است (نیلی، ۱۳۹۲ به نقل از سایت <http://www.magiran.com/sanatekafsh>)

۱-۵-۱. مدل اقتصادهای اولیه صنعتی (اروپا و آمریکا)

مدل اقتصادهای اولیه صنعتی، مسیر کلاسیک توسعه اقتصادی از کشاورزی به صنعت و سپس، خدمات خصوصی و تجارت خارجی است که بر اساس آن، دولت نوعی برون‌داد از بخش خصوصی شناخته می‌شود. در واقع در این مسیر شاهد توسعه از پایین به بالا هستیم و دولت نقش کلیدی در مسیر توسعه ندارد.

نمودار-۱. مدل اقتصادهای اولیه صنعتی



الف: مدل اقتصادهای در حال گذار

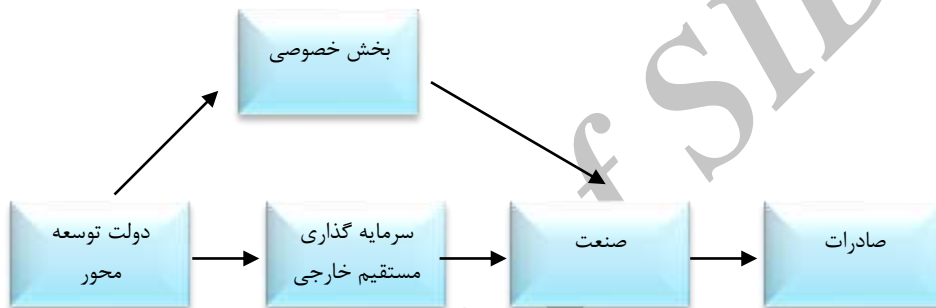
در مدل اقتصادهای در حال گذار، زیرساخت‌های فیزیکی فراوان اما بهره‌وری پایین است و می‌توان گفت که یک نوع «بدتوسعه یافتگی» در آن وجود دارد. این مدل شامل دولت‌های تحول‌محور است. در این مسیر، آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی، ثبات‌سازی و تأمین اجتماعی از سوی دولت صورت می‌گیرد و دولت در تحولات ساختاری از نقش محوری برخوردار است تا مواردی مثل خصوصی‌سازی را اجرا کند؛ اگر چه هنوز به نقش واقعی خود در اقتصاد نزدیک نشده است. برای این مدل می‌توان کشورهای اروپای شرقی شوروی سابق به و سیله تغییر رژیم سیاسی یا چین به و سیله تغییر رژیم سیاست‌گذاری را مثال زد. (نیلی، ۱۳۹۲ به نقل از سایت <http://www.magiran.com/sanatekafsh>)

ب: مدل اقتصادهای نوظهور

مدل اقتصادهای نوظهور، «مدل اقتصادهای نوظهور، کشورهای آسیای جنوب شرقی مثل کره جنوبی، سنگاپور، تایوان و هند، آمریکای جنوبی مثل برزیل و ترکیه» را شامل می‌شود که برعکس مدل اول عمل می‌کنند؛ بحث محوری، این است که دولت‌ها بوده‌اند که خصوصی‌سازی کرده‌اند و آزادسازی اقتصاد را انجام داده‌اند. اگر کشورهای دارای اقتصاد نوظهور را در فاصله اواسط دهه ۵۰ تا اواخر دهه ۸۰ میلادی ردیابی کنیم، می‌بینیم که مدل‌های مختلفی دیده می‌شود، اما پس از دهه ۹۰ همگرایی زیادی در ایفای نقش دولت دیده می‌شود که برون‌گرایی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اتصال به بازارهای جهانی و مشارکت در نظام تقسیم

کار جهانی در آنها دیده می‌شود. در این کشورها توسعه بخش خصوصی مقدم بر خصوصی سازی بوده و توسعه در این کشورها، توسعه از بالا به پایین بوده است. در این کشورها دولت فعال و محور بوده و نقش کلیدی را بازی می‌کرده است و در دوره‌هایی در گذشته دخالتش، دخالت انتخابی بوده (چه صنایعی توسعه پیدا کنند و چه صنایعی توسعه پیدا نکنند)، اما به تدریج از دهه ۸۰، دخالتش کارکردی گشته است (بخش خصوصی خودش در آن مسیر در جهت تحقق رشد بالا تکامل پیدا می‌کرده است).

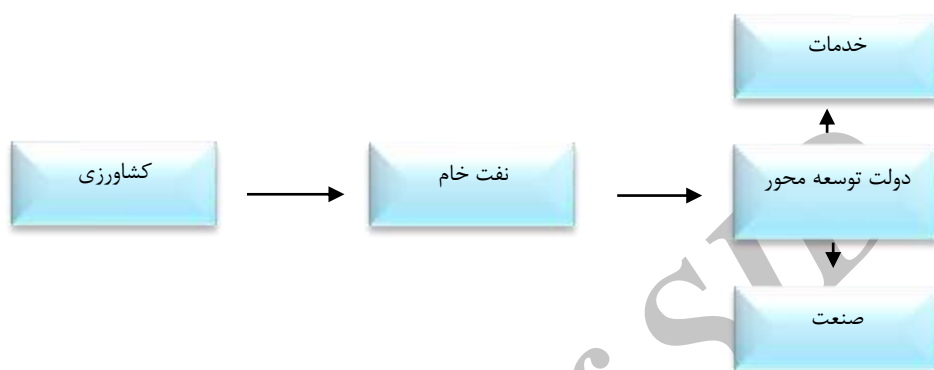
نمودار ۲- مدل اقتصادهای نوظهور



ج: مدل اقتصادهای نفتی

در اقتصادهای نفتی اگر نروژ را مستثنی کنیم، می‌توانیم ببینیم که اول نفت در آنها کشف شد و بعد یک مسیر توسعه را طی کردند. قبل از این که فعالیتهای نفتی در این اقتصادها به صورت یک فعالیت غالب دربیاید، یک اقتصاد معیشتی بوده‌اند که با اکتشاف و استخراج و تولید نفت خام، این اقتصاد تحولی را شاهد است. در این کشورها، دولت از دل نفت بیرون می‌آمده است و بر خلاف مدل پیشین که دارای دولت توسعه‌محور بود، در این اقتصادها شاهد توسعه دولت‌محور هستیم. در این کشورها دولت توزیع‌کننده منابع است و هر گونه بخواهد به فعالیتهای اقتصادی شکل می‌دهد. در این جا می‌توان گفت که خیلی از کشورهای نفتی هستند که صنعتی نشده‌اند و عملاً بدنه بخش نفت مانع از این شده که در این اقتصادها فعالیت صنعتی شکل بگیرد و همان سازوکارهای بیماری هلندی و تبعات آن، مانع از صنعتی شدن شده است (نیلی، ۱۳۹۲ به نقل از سایت <http://www.magiran.com/sanatekafsh>).

نمودار-۳. مدل اقتصادهای نفتی



همچنین موضوع نقش و اندازه دولت را از سه جنبه مورد بررسی قرار می‌دهند: دیدگاه اول (تشکیلات به عنوان ابزار کنترل)، دیدگاه دوم (غلبه تصدی نگری دولت بر وظایف اصلی آن) و دیدگاه سوم (وظیفه‌ای بودن ساختار کلان دولت و بخش شدن نگرش‌ها) که در ادامه تشریح می‌گردند (رحیمی بروجردی، ۱۳۷۳):

۱-۵-۲. دیدگاه اول، تشکیلات به عنوان ابزار کنترل

این دیدگاه ساختار دولت را به عنوان ابزاری برای کنترل در نظر می‌گیرند و تمایل دولت به کنترل را دلایلی بر بزرگی و گستردگی آن می‌دانند. راه‌حل مسأله از این دیدگاه کوچک سازی و متناسب سازی اندازه دولت از طریق تعدیل کنترل آن و دمیدن روح اعتماد در روابط میان دولت و جامعه است. با بررسی عملکرد دولت در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف کشور می‌توان به وظایف کنترلی، کنترل‌های مضاعف و چندگانه برخورد می‌کنیم که به وسیله دو یا چند واحد به صورت موازی صورت می‌گیرد و مسلماً با حذف آنها می‌توان ساختار چابک‌تر و کوچک‌تری را به وجود آورد. کاستن از دامنه کنترل‌های غیرضروری و زائد از نظر قانون اساسی نیز به طور ضمنی در اصل ۳۷، مورد اشاره قرار گرفته است.

۱-۵-۳. دیدگاه دوم، غلبه تصدی نگری دولت بر وظایف اصلی آن

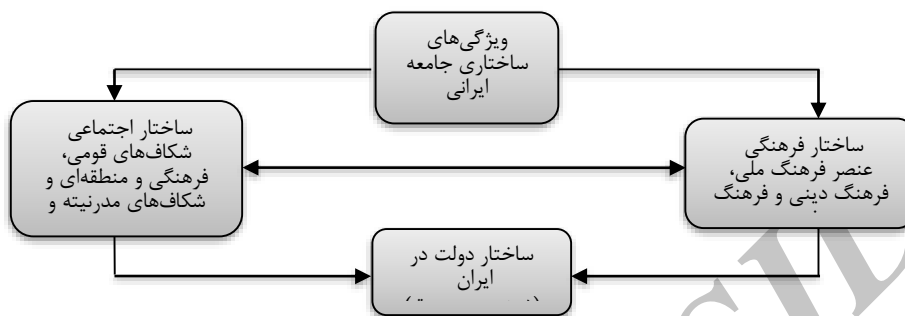
برای دولت دو نوع وظیفه حاکمیتی و تصدی می‌توان قائل شد که اگر چه هر دو ضرورت دولت هستند، اما تمایل بیش از حد به تصدی می‌تواند موجب بروز مشکلاتی در ساختار و عملکرد دولت شود. از این رو در نظریات علمی توصیه می‌شود که دولت‌ها به وظایف حاکمیتی خود بسنده کرده و از ورود تصدی نگری حتی

المقدور حذر نمایند. تصدی‌گری دولت علاوه بر آنکه تشکیلات دولتی را توسعه می‌دهد بخش خصوصی را در جامعه تضعیف کرده و بهره‌وری کل را در جمع کاهش می‌دهد. اشتغال دولت به تصدی‌گری مشکل دیگری را نیز بوجود می‌آورد که همانا کم رنگ شدن وظیفه نظارتی دولت به فعالیت‌های بخش خصوصی است دولتی که خود متصدی کارهای بخش خصوصی شده از نظارت و کنترل آن بخش باز می‌ماند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن پذیرش دخالت شهروندان در تمام امور زندگی اجتماعی به دو محرکه مشخص اشاره شده که یکی اصل شوراها و دیگری بخش تعاون در اقتصاد کشور است در اصل سوم قانون اساسی ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات به عنوان الگوی اساسی نظام اداری ارائه شده است. تقویت مشارکت عمومی از طریق واگذاری فعالیت‌های اجرائی و موسسات اقتصادی دولت به مردم، انجام تصدی‌های تکلیفی دولت با مشارکت مردم و شوراها و تغییر جهت مشارکت دولت در قالب پرداخت‌های انتقالی، راهکار دیگر برای متناسب‌سازی اندازه دولت است.

۱-۴-۵. دیدگاه سوم، وظیفه‌ای بودن ساختار کلان دولت و بخشی شدن نگرش‌ها

ساختار بخش عمومی کشور که در قالب وزارتخانه‌های مختلف شکل گرفته از سازماندهی وظیفه‌ای تبعیت می‌کند که نوعی سازماندهی جزءنگر و تقلیل‌گراست. نظام‌های اقتصادی و ساخت اقتصاد بخش عمومی از عناصر تاثیرگذار بر نظام اداری است. از میزان دخالت دولت‌ها در فعالیت اقتصادی تا نوع و ماهیت اقتصاد بخش عمومی و روش تامین منابع به وسیله دولت و تک محصولی یا چند محصولی بودن اقتصاد، همه و همه شرایط متفاوتی برای نظام اداری به وجود می‌آورد (روبرگ و جسوت، ۲۰۱۲: ۴۲۱). دولت‌های که در عرصه‌های اقتصادی فعال هستند و نقش حداکثری در این عرصه ایفا می‌کنند چون مسئول حوزه‌هایی که فعالیت می‌کنند با بخش خصوصی مشترک است، خود را رقیب آنها می‌دانند و از این منظر نظام اداری در خدمت‌دهی به این بخش حداکثر حساسیت و حتی محدودیت را اعمال می‌کنند (قلی پور، ۱۳۹۲: ۱۷). جامعه ایران به عنوان جامعه‌ای نیمه سنتی نیمه مدرن یا در حال گذر، دارای صورت‌بندی خاص اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. از لحاظ اجتماعی با دارا بودن تنوع قومی، فرهنگی و منطقه‌ای نوعی از ساختار اجتماعی را شکل داده که شکاف‌های اجتماعی در آن برجسته شده است. از لحاظ فرهنگی تحت تاثیر سه عنصر فرهنگ باستانی، ملی، دینی و ایدئولوژیک و غربی- لیبرالیسم است که شکاف جدی در درون خود ایجاد کرده است. همچنین ورود عنصر نفت در اقتصاد سده بیستم ایران و تاثیر آن بر سایر فعالیت‌های اقتصادی مانند تولید و کشاورزی و تبدیل اقتصاد ایران به اقتصاد تک محصولی، سبب شده است که دولت با برخورداری از درآمدهای نفتی، ضمن کم توجهی به عناصر تولید ملی، برخوردار از سازمان‌های تنبل و غیر چابک با پاسخگویی ضعیف باشد (قلی پور، ۱۳۹۲: ۱۸).

شکل-۴. ویژگی ساختاری دولت در ایران (قلی پور، ۱۳۹۲: ۱۸).



بی‌تردید ساخت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بالا که ساختار دولت در اندام‌واره «دین و جمهوریت» را در ایران امروز شکل داده، تاثیر مهمی بر نظام اداری گذاشته است (قلی پور، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸).

۲. اقتصاد مقاومتی

مهمترین بندی که در میان سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی به طرح سازمان‌ها و ساختار دولت مربوط می‌شود بند ۱۶ از ۲۴ بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که عبارت است از: «صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید».

یکی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی «منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور» عنوان شده است. محدودسازی اقتصاد دولتی و آزادسازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد.

اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر، برای همراهی مردم به عنوان اصلی‌ترین ارکان مقاومت در جامعه، برای ضد ضربه کردن اقتصاد در برابر تحریم‌هاست.

۱-۲. بخش خصوصی

بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با بکارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه‌های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارآمد، ضمن ایفاء نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، می‌تواند اهداف توسعه‌ای دولت را محقق نماید.

۱-۱-۲. مشکلات خصوصی سازی

کشور ایران تجربه چندانی در عملیات بازار ندارد. مساله دوم در دستیابی به یک بازار موثر، وجود قوانین و مقررات اثربخش می‌باشد. خصوصی سازی دولت مشکلات خاص خود را دارد. در این رابطه باید دانست که وقتی دولت خط‌مشی خود را از رویکرد دولت‌محور به سمت دولت بازار محور تغییر می‌دهد می‌بایست روابط مجدد مرزهای بین بخش‌های دولتی و خصوصی تعریف گردند. دوم اینکه، چون دولت در سازماندهی بخش دولتی ناموفق است لذا خصوصی سازی واکنشی به منظور حفظ منافع اقتصادی کل جامعه است نه یک گروه ذینفع خاص و سوم فراموش نکردن این موضوع است که شکست بخش خصوصی هم امری ممکن و متداول است و در موقعیتهایی ممکن است خصوصی سازی سودآور نباشد.

مطلب بعدی در مورد مشکلات خصوصی سازی این است که دولت باید از قابلیت لازم برای اعمال موفقیت آمیز مدیریت آن برخوردار باشد. وجود یک برنامه روشن و یک چارچوب قانونی، روشن بودن روش‌های مزایه رقابتی و حسابداری آن، عدم داشتن حق انحصار برای برندگان مناقصه و فروختن دارایی‌های دولتی برابر ارزش واقعی آنها مسائل مهمی هستند.

چون تبدیل بوروکراسی به بازار، باعث کاهش فساد می‌شود اما خطر مزمن و بومی شدن فساد در این زمینه وجود دارد. کاهش فرصت‌های بروز فساد از طریق حذف اختیارات مطلق، وضع خط‌مشی‌های مربوط به کنترل بر بازرگانی خارجی، حذف موانع ورود به بخش صنعت خصوصی و خصوصی کردن شرکت‌های دولتی به شکلی که باعث ایجاد رقابت شود از جمله راه‌های مبارزه با فساد هستند. ایجاد فرصت برای ورود بخش خصوصی به بخش‌های بسته اقتصاد به صورت ایجاد فرایندهای باز و رقابتی، مقابله با اسناد و ترازنامه‌های رسمی، اصلاح خدمات دولتی، محدود کردن حمایت‌های سیاسی و افزایش حقوق کارکنان بخش دولتی نیز می‌تواند از طریق بازگذاشتن دست مدیران در اجرای قوانین، باعث کاهش فساد شود.

اما واقعیت این است که بوروکراسی در ایران بسیار قدرتمند است و برای تغییر جهت به طرف بازار محوری، باید این مرکز قدرتمند، بخش زیادی از قدرت خود را از دست بدهد (شایان آرانی، ۱۳۸۸: ۱۴).

در بحث خصوصی سازی نحوه اجرای قانون و تحکیم قراردادهای حائز اهمیت است. به کارگیری روش ارائه خدمات قراردادی با مشکلات آشکاری مواجه شده است. چرا که پیامدهای روش قراردادی مشخص نمی‌شوند،

اهداف مبهم هستند و فساد در بعضی جاها به صورت امری طبیعی در آمده است. وجود یک دولت بزرگ در اقتصاد از انگیزه مشارکت‌های مردمی می‌کاهد (هیوز، ۱۳۸۸: ۳۲۶).

۲-۲. ویژگی‌های موثر در طرح سازمان‌های دولتی آینده متناسب با الزامات اقتصاد مقاومتی

به طور کلی می‌توان ویژگی‌های موثر در طرح سازمان‌های دولتی آینده را به سه بخش کلی تقسیم کرد:

الف- عوامل مربوط به عقلانیت سازمان‌ها، شامل مواردی از قبیل

میزان سلسله مراتب، رسمیت، شایسته سالاری، تخصص‌گرایی، تمرکز، تمایلات رفتاری، میزان دخالت سازمان در اخذ تصمیمات عمده مربوط به خط‌مشی عمومی و همچنین اجرای آنها، ابزارهای اصلی اعمال کنترل بر سازمان از خارج سیستم، میزان تاثیر این کنترل‌های خارجی.

ب- عوامل مربوط به متناسب‌سازی با محیط (نهادی) شامل مواردی از قبیل

تاثیرپذیری رفتار متخصصان، توسط ارزش‌های القاء شده به وسیله مجامع و انجمن‌های حرفه‌ای، پاسخگویی به فشارهای محیطی، کنترل عملکرد کارکنان توسط شاخص‌های خروجی، برخورداری از پیچیدگی هدف، اتخاذ تصمیمات سازمان بر اساس چانه‌زنی و مصلحت‌اندیشی، هدایت رفتارهای کارکنان باید با استفاده از فرهنگ سازمانی (تلقین ارزش‌ها و هنجارها)، تعهد متخصصان نسبت به سازمان، داشتن ساختارهای غیر رسمی و کمتر رسمیت‌یافته.

ج - عوامل مربوط به همشکلی سازمان‌های دولتی شامل مواردی از قبیل

میزان شباهت (تقلید، الزام‌آور و هنجاری) سازمان‌های دولتی ایران با سازمان‌های دولتی کشورهای دیگر که شامل شاخص‌های زیر است:

تطابق و هماهنگی سازمان توسط فشارهای ناشی از اعمال قوانین و مقررات، تطابق و هماهنگی سازمان فشارهای اعمال شده توسط نهادهای محیطی، تطابق و هماهنگی سازمان به وسیله فشارهای ایجاد شده توسط مقامات داخلی، میل به هم‌رنگی و تقلید از موفقیت سازمان‌های دیگر، تلاش مدیران و کارشناسان برای حرفه‌ای شدن، دوره‌های آموزشی مشابه توسط مدیران و کارشناسان، جذب مدیران عالی سازمان از موسسه‌ها و دانشکده‌های برجسته و خاص، گزینش مدیران ارشد، از مسیر ارتقای کارشناسان تخصص‌های خاص و وجود مسیرهای پیشرفت حرفه‌ای در سازمان

۲-۳. سؤالات تحقیق و مراحل عملیاتی رویکرد مبتنی بر سناریوپردازی

در ابتدا با توجه به متغیرهای کلیدی محیط که تغییرات در آنها بتواند فعالیت سازمان‌ها را به میزان زیادی تحت تأثیر قرار دهد، آینده‌های احتمالی برای سازمان‌ها در ایران ۱۴۰۴ ترسیم شده و بسط می‌یابد

این آینده‌های محتمل (سناریوها) به شکل متن جامع یک سند یا به شیوه‌ای داستانی نمایش داده می‌شوند. برای شکل دادن محتوای اولیه سناریوها دو مورد از مهمترین نیروهای مؤثر غیرقابل کنترل و یا نامشخص انتخاب می‌شود. سه یا چهار مورد از بهترین سناریوهای محتمل تدوین می‌شود. سپس عواملی را که حکایت از تحقق یک سناریوی خاص دارد (علائم رخداد) تعیین می‌کنند و در ادامه یک فهرست از واکنش‌ها و پاسخ‌هایی که موضوع مورد مطالعه [در اینجا سازمان‌ها] قابلیت ارائه آنها را دارد تهیه می‌شود. نحوه‌ی مواجهه با هر کدام بر حسب قابلیت‌های این سازمان‌ها به صورت مدون برنامه‌ریزی می‌گردد. حال اگر علائم رخداد در محیط مشاهده شود، از پیش برنامه‌ای برای مواجهه با آن وجود دارد و احتمال غافلگیری کاهش خواهد یافت. هدف این است که هنگامی که آینده به زمان حال تبدیل شد سازمان‌ها بتوانند بهتر موقعیت رقابتی خود را حفظ نموده و از غافلگیری م‌صون بمانند (زاهدی، ۱۳۹۰ و ناظمی ۱۳۸۵). در این پژوهش از نمودارهای تأثیرات یا چرخه‌ی علی بهره گرفته شد (لئونارد و بیر، ۲۰۰۰). ابتدا فهرستی از متغیرهای مربوط به موضوع که شامل عوامل کلیدی و عوامل تأثیرگذار یا تأثیر پذیر از عوامل کلیدی، شناسایی شد؛ پس از آنکه متغیرهای مربوط به موضوع شناسایی شدند، در انتها در خصوص ارتباط و تعامل میان متغیرها چرخه‌ی علی و معلولی ارائه شده در شکل (۱) ترسیم گردید. در فرآیند سناریونگاری، در بخش پیمایشی از خبرگان خواسته می‌شود تا در خصوص ارتباط متقابل میان عوامل مختلف در قالب پرسشنامه عوامل کلیدی نظر خود را بیان کنند و بر این اساس تصحیح‌های لازم در عوامل کلیدی به منظور بومی‌سازی آنها انجام می‌شود (زاهدی، ۱۳۹۰) عوامل کلیدی تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر وضعیت سازمان‌ها در ایران ۱۴۰۴ در پاسخ به پرسش ذیل هستند:

«طرح سازمان‌های دولتی آینده متناسب با الزامات اقتصاد مقاومتی کدام است؟»

پس از بومی‌سازی عوامل کلیدی و روابط میان آنها؛ به بررسی عدم قطعیتها در قالب پرسشنامه عدم قطعیت‌ها پرداخته می‌شود و بعد از انتخاب محورهای عدم قطعیت به تحلیل و بررسی سؤالات پژوهش در قالب چهار فضای سناریو پیش‌روی آینده سازمان‌ها در ایران ۱۴۰۴ می‌پردازیم.

طرح سازمان‌ها در ایران بر اساس اقتصاد مقاومتی؛ نیروهای تأثیرگذار بر عامل کلیدی شناسایی شده؛ شدت تأثیرگذاری نیروهای تأثیرگذار بر عامل کلیدی شناسایی شده تنظیم گردید. با استفاده از پرسشنامه‌های فاز مقدماتی، تأثیرات هر عامل بر سایر عوامل شناسایی می‌شوند و کمی‌سازی روابط میان خبرگان انجام شد. از تحلیل ساختاری سیستم، به منظور تحلیل پرسشنامه‌ها که شبکه‌ی تأثیرات متقابل میان عوامل است، استفاده گردید. پرسشنامه فاز مقدماتی میان ۱۸ نفر از خبرگان به منظور بومی‌سازی عوامل کلیدی پخش گردید که ۱۶ پرسشنامه تکمیل گردید؛ سپس به منظور شناسایی عوامل کلیدی و نتایج استخراج شده از پرسشنامه فاز مقدماتی، تحلیل پرسشنامه‌ها مقدماتی از روش ماتریس متقابل استفاده گردید.

تحلیل ساختاری با هدف شناسایی تأثیرات غیر مستقیم هر یک از متغیرها و عوامل تأثیرگذار در کل سیستم انجام شد، بر اساس زنجیره‌ی مارکوف تأثیرات غیرمستقیم هر یک از عوامل و متغیرها محاسبه گردید. بر حسب پاسخ‌های دریافت شده در مجموع ۲۶ عامل کلیدی دارای شدت اهمیت بیشتر از ۳۰ هستند که عبارتند از:

در جدول (۱) هر یک از عوامل کلیدی "تعیین کننده" که در تحلیل تأثیرات متقابل به دست آمده است به صورت عدم قطعیت‌هایی بیان گردیده است. در مقابل هر عمل کلیدی در جدول ۱، دو حالت ۱ و ۲ به عنوان دوگانه‌های عدم قطعیت مربوط به آن عامل کلیدی توصیف شده است.

جامعه‌ی آماری پژوهش شامل خبرگانی است. افرادی که دارای تجربه و سابقه فعالیت در سازمان‌ها هستند. از آنجایی که افراد و سازمان‌ها دارای تأثیرات اجتماعی برابر نیستند و این سازمانها از سطح فعالیت یکسانی در کشور برخوردار نیستند، در نتیجه دارای شانس یکسان برای انتخاب شدن نیستند؛ لذا روش نمونه‌گیری انتخاب شده در این مطالعه روش نمونه‌گیری غیراحتمالی است؛ در این پژوهش روش گلوله برفی به عنوان روش غیراحتمالی نمونه‌گیری انتخاب شد. گروه اولیه شامل ۲۰ نفر از طریق فهرست فعالترین و شناخته شده‌ترین خبرگان سازمان‌ها در کشور و استادان دانشگاه انتخاب شدند. سپس در چهار دور از هریک از خبرگان معرفی شده خواسته شد تا خبرگانی را بر اساس تعریف جامعه آماری معرفی نمایند. گروه اولیه منجر به شناسایی در مجموع ۱۹ نفر در دور اول شد؛ که به آنها پرسشنامه‌ی تحلیل تأثیرات متقابل ارائه گردید. در دور چهارم عدم قطعیت‌ها؛ بیش از ۹۰ درصد افراد معرفی شده، تکراری بودند و از این رو در دور چهارم فرایند پژوهش به حد اشباع رسید و متوقف شد. تمامی ۱۹ فرد شناسایی شده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند؛ در مجموع ۱۹ نفر از خبرگان در پژوهش شرکت کردند. نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌های عدم قطعیت؛ ورودی‌های لازم برای سناریوها فراهم کردند. در این مرحله لازم است بر اساس دو معیار ۱- شدت عدم قطعیت و ۲- اهمیت عدم قطعیت از میان عدم قطعیت‌های شناسایی شده مهمترین عدم قطعیت‌ها به منظور تدوین سناریوها انتخاب شوند؛ فرآیند انتخاب و تصمیم‌گیری مبتنی بر نظر خبرگان انجام گردید. پرسش نامه

بین ۱۹ نفره از خبرگان توزیع شد. بر اساس آزمون آماری ویلکاگسون سطح تفاوت معناداری در این آزمون آماری ۰/۰۵ است، به این ترتیب پرسشنامه‌ها پایاست.

جدول ۱. عوامل عدم قطعیت‌های شناسایی شده بر حسب تحلیل تاثیرات متقابل

مأموریت سازمان	ساختار سازمان	عوامل کلیدی تاثیرگذار	حالت اول	حالت دوم
سازمان	عقلایی	۱- سلسله مراتب	کاهش	افزایش
		۲- رسمیت	کاهش	افزایش
		۳- تخصص‌گرایی	کاهش	افزایش
		۴- میزان استخدام	کمتر	بیشتر
		۵- تمرکز کارکنان در دولت مرکزی	کاهش	افزایش
		۶- تعداد وزارت خانه‌ها	کاهش	افزایش
	اندازه دولت	۷- چابک سازی دولت	کمتر	بیشتر
		۸- ایجاد ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها	کمتر	بیشتر
		۹- دخالت سازمان‌ها در اخذ تصمیمات عمده مربوط به اقتصاد مقاومتی	کاهش	افزایش
		۱۰- نقش سازمان‌های در اجرای خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی	کمتر	بیشتر
		۱۱- شکل‌گیری تشکل‌های اقتصادی در قالب تعاونی‌ها	کاهش	افزایش
		۱۲- تقویت و حمایت از سازمان‌های غیردولتی و خصوصی	کاهش	افزایش
نهادی	نقش دولت	۱۳- نقش تصدی‌گری	کاهش	افزایش
		۱۴- نقش متولی‌گری	کاهش	افزایش
		۱۵- نقش قابله‌گری	کاهش	افزایش
		۱۶- نقش پرورش‌گری	کاهش	افزایش
	تعامل با محیط	۱۷- پاسخگویی به فشارهای محیطی	کاهش	افزایش
		۱۸- داشتن ساختارهای غیر رسمی و کمتر رسمیت- یافته	کاهش	افزایش
		۱۹- هدایت رفتارهای کارکنان با استفاده از فرهنگ سازمانی	کاهش	افزایش
		۲۰- تعهد متخصصان نسبت به سازمان	کاهش	افزایش

افزایش	کاهش	۲۱- اتخاذ تصمیمات سازمان بر اساس چانه‌زنی و مصلحت‌اندیشی	تعامل افراد در درون سازمان با یکدیگر	هم-شکلی
بیشتر	کمتر	۲۲- تطابق و هماهنگی سازمان با سایر سازمانها توسط فشارهای قهری (اجباری)	همشکلی ناشی از اجبار	
افزایش	کاهش	۲۳- میل به هم‌رنگی و تقلید از موفقیت سازمانهای دیگر	همشکلی ناشی از تقلیدی	
بیشتر	تطابق کمتر	۲۴- نظارت و حمایت دولت از بازار بر اساس نظام «تطبیق» و «سنجش»	همشکلی ناشی از هنجاری	
افزایش	کاهش	۲۵- جذب مدیران عالی سازمان از موسسه‌ها و دانشکده‌های برجسته و خاص		
تقویت	تضعیف	۲۶- گزینش مدیران ارشد از مسیر ارتقای کارشناسان تخصص‌های خاص		
افزایش	کاهش	۲۷- وجود مسیرهای پیشرفت حرفه‌ای در سازمان		

۴. یافته‌های پژوهش

براساس تحلیل پرسشنامه‌های عدم قطعیت نتایج ذیل حاصل شد:

عدم قطعیت ۱، به سلسله مراتب اختیار می‌پردازد. بحث مورد پرسش در این بخش این بود که آیا سازمان‌های دولتی ایران در افق زمانی پژوهش جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی باید از سلسله مراتب بالا برخوردار باشند یا اینکه سازمان‌های دولتی جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی باید از سلسله مراتب پایین برخوردار باشند؟ ۷۸٪ از پاسخ دهندگان با حالت دوم موافق بودند که این انتخاب این بحث را اذعان می‌کند که سازمان‌های دولتی ایران برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی می‌بایست به سمت کاهش سلسله مراتب حرکت کنند. **عدم قطعیت ۲،** به میزان رسمیت در سازمان‌های دولتی ایران جهت تحقق اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. ۵۸٪ از خبرگان معتقدند که در آینده سازمان‌های دولتی به سمت عدم رسمیت حرکت خواهند کرد. **عدم قطعیت ۳،** به بررسی میزان تقسیم کار سازمان‌های دولتی در آینده می‌پردازد. نتایج حاصله نشانگر این است که ۸۴٪ خبرگان موافق بودند که میزان تقسیم کار در آینده کمتر خواهد بود. **عدم قطعیت ۴،** به بررسی میزان اتخاذ تصمیمات استخدامی بر اساس شایستگی در سازمان‌های آینده می‌پردازد. به عبارت روشن سوال مورد بررسی این است که برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی میزان استخدام در سازمانهای آینده چگونه خواهد بود؟ نتایج حاصله نشانگر این است که ۷۷٪ خبرگان موافق بودند که در آینده با توجه به اینکه ارائه خدمات

بهرکردم گسترش خواهد یافت و تورم سازمان مرکزی کاهش خواهد یافت لذا استخدام در آینده می‌بایست افزایش یابد.

عدم قطعیت ۵، در مورد چگونگی توزیع کارکنان در سازمانهای آینده جهت تحقق اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. ۶۹٪ از خبرگان معتقدند که در آینده با عنیات به ارائه خدمات گسترده به مردم کارکنان در دولت مرکزی متمرکز نخواهند شد. عدم قطعیت ۶، به بررسی تعداد وزارتخانه‌های در آینده برای اجرای اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. رشد وزارتخانه‌ها متغیری تعیین کننده در تحلیل تاثیرات متقابل شناخته شده است. رشد وزارتخانه‌ها می‌تواند از دو منظر کمی و کیفی مورد توجه باشد، از آن جایی که توانمندی‌های وزارتخانه‌ها، از منظر کیفی به موضوع رشد وزارتخانه‌ها می‌پردازد، لذا مبحث کمی رشد وزارتخانه‌ها، ذیل عنوان تعداد وزارتخانه‌ها، در این عدم قطعیت طرح شد. لازم به ذکر است که توانمندی وزارتخانه‌ها که رشد کیفی این سازمان‌ها را نشان می‌دهد در عدم قطعیت ۷ مورد بررسی قرار گرفته است ۹۵٪ از خبرگان معتقدند که برای تحقق اقتصادمقاومتی در آینده ساختارهای فرآیندی باید در وزارتخانه‌ها افزایش یابد. عدم قطعیت ۸، در خصوص میزان دخالت سازمان‌های دولتی در اخذ تصمیمات عمده مربوط به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. ۷۹٪ از خبرگان معتقدند که میزان دخالت سازمان‌های دولتی تنظیمی در خط‌مشی‌گذاری برای اقتصاد مقاومتی باید افزایش یابد. عدم قطعیت ۹، نقش سازمان‌های دولتی در اجرای خط‌مشی‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی است. ۸۵٪ خبرگان بر این عقیده هستند که اجرای خط‌مشی‌های عمومی اقتصاد مقاومتی در آینده، توسط سازمان‌های دولتی می‌بایست انجام گیرد. عدم قطعیت ۱۰، در مورد شکل‌گیری تشکلهای اقتصادی در قالب تعاونی‌ها است. ۸۹٪ خبرگان بر این عقیده هستند که شکل‌گیری تشکلهای اقتصادی در قالب تعاونی‌ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آینده، می‌بایست افزایش یابد. عدم قطعیت ۱۱، در خصوص تقویت و حمایت از سازمان‌های غیردولتی و خصوصی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است. ۹۶٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای پیاده‌سازی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی تقویت و حمایت از بخش غیردولتی و خصوصی باید افزایش یابد. عدم قطعیت ۱۲، در مورد میزان نقش تصدی‌گری دولت برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. ۸۴٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آینده، می‌بایست نقش تصدی‌گری دولت باید کاهش یابد.

عدم قطعیت ۱۳، در مورد میزان نقش متولی‌گری دولت برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. ۵۷٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آینده، می‌بایست نقش متولی‌گری دولت باید کاهش یابد. عدم قطعیت ۱۴، میزان نقش قابل‌گری دولت برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. ۹۳٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آینده، می‌بایست نقش قابل‌گری دولت باید افزایش یابد. عدم قطعیت ۱۵، میزان نقش پرورش‌گری دولت برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. ۸۶٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آینده، می‌بایست نقش پرورش‌گری

دولت باید افزایش یابد. عدم قطعیت ۱۶، در مورد پاسخگویی به فشارهای محیطی برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. ۸۸٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای اجرای خط‌مشی‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی در آینده، سازمان‌های دولتی می‌بایست نسبت به محیط و فشارهای ناشی از آن پاسخ نشان دهند. عدم قطعیت ۱۷، در مورد این موضوع است که آیا داشتن ساختارهای غیر رسمی و کمتر رسمیت یافته برای تحقق اقتصاد مقاومتی در آینده می‌باید افزایش یابد یا کاهش. ۸۷٪ خبرگان بر این عقیده هستند که ساختارهای غیر رسمی در دولت برای این امر، می‌بایست افزایش یابند. عدم قطعیت ۱۸، در مورد هدایت رفتارهای کارکنان با استفاده از فرهنگ سازمانی برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. ۶۹٪ خبرگان بر این عقیده هستند که اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در آینده، نیازمند هدایت رفتار کارکنان با کمک فرهنگ سازمانی است. عدم قطعیت ۱۹، در خصوص تعهد متخصصان سازمان‌ها نسبت به سیاست اقتصاد مقاومتی است. ۹۲٪ خبرگان بر این عقیده هستند که تعهد متخصصان سازمانها می‌بایست افزایش یابد. عدم قطعیت ۲۰، در مورد اتخاذ تصمیمات سازمان بر اساس چانه‌زنی و مصلحت‌اندیشی برای اجرای برنامه‌های اقتصاد مقاومتی است. ۶۶٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای اجرای برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در آینده، می‌بایست تصمیمات مربوط به این حوزه باید بر اساس چانه‌زنی و مصلحت‌اندیشی افزایش یابد.

عدم قطعیت ۲۱، به این موضوع می‌پردازد که سازمان‌های دولتی برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی چقدر باید با اجبار با سایر سازمان‌های دولتی دنیا هم‌شکل شوند. ۸۵٪ خبرگان بر این عقیده هستند میزان هم‌شکلی ناشی از اجبار در آینده بایستی افزایش یابد. عدم قطعیت ۲۲، در خصوص میل به هم‌رنگی و تقلید از موفقیت سازمانهای دیگر برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. ۷۹٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای اجرای اقتصاد مقاومتی در آینده میزان هم‌شکلی ناشی از تقلید بایستی افزایش یابد. عدم قطعیت ۲۳، به این مساله می‌پردازد که برای اجرای اقتصاد مقاومتی نظارت و حمایت دولت از بازار بر اساس نظام «تطبیق» و «سنجش» می‌بایست کاهش یابد یا افزایش؟ ۸۱٪ خبرگان بر این عقیده هستند نظام تطبیق و سنجش برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید افزایش یابد. عدم قطعیت ۲۴، در مورد میزان جذب مدیران عالی سازمان‌ها از موسسه‌ها و دانشکده‌های برجسته و خاص برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی است. ۷۹٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای اجرای خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی در آینده، جذب مدیران عالی سازمان‌ها از دانشگاه‌های خاص باید افزایش یابد.

عدم قطعیت ۲۵، به این موضوع مرتبط است که برای اجرای برنامه‌های اقتصاد مقاومتی گزینش، مدیران ارشد سازمانهای دولتی چقدر باید از مسیر ارتقای کارشناسان تخصص‌های خاص گزینش شوند. ۷۷٪ خبرگان بر این عقیده هستند که برای تحقق اقتصاد مقاومتی این نحوه گزینش مدیران می‌بایست افزایش یابد. عدم قطعیت ۲۶، در مورد مسیرهای پیشرفت حرفه‌ای در سازمان برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. ۷۱٪ خبرگان بر این عقیده هستند که مسیرهای پیشرفت حرفه‌ای در سازمان‌های دولتی در آینده باید افزایش یابد.

در پرسشنامه عدم قطعیت به بررسی شدت عدم قطعیت و میزان اهمیت به منظور شناسایی محورهای سناریو پرداختیم. شدت عدم قطعیت نشان دهنده آن است که تا چه می‌توان وضعیت آینده را به صورت قطعی و از پیش معین شناسایی نمود. به این ترتیب لازم است تا با استفاده از معیارهایی میزان قطعی بودن را کمی نمود. به این منظور می‌توان از معیار اجماع خبرگان پاسخ دهنده به پرسش‌نامه‌ها در خصوص عدم قطعیت‌های طرح شده استفاده نمود. در این تحلیل از روش میانگین کمی شاخص رتبه‌ای تحقق عدم قطعیت استفاده شده است.

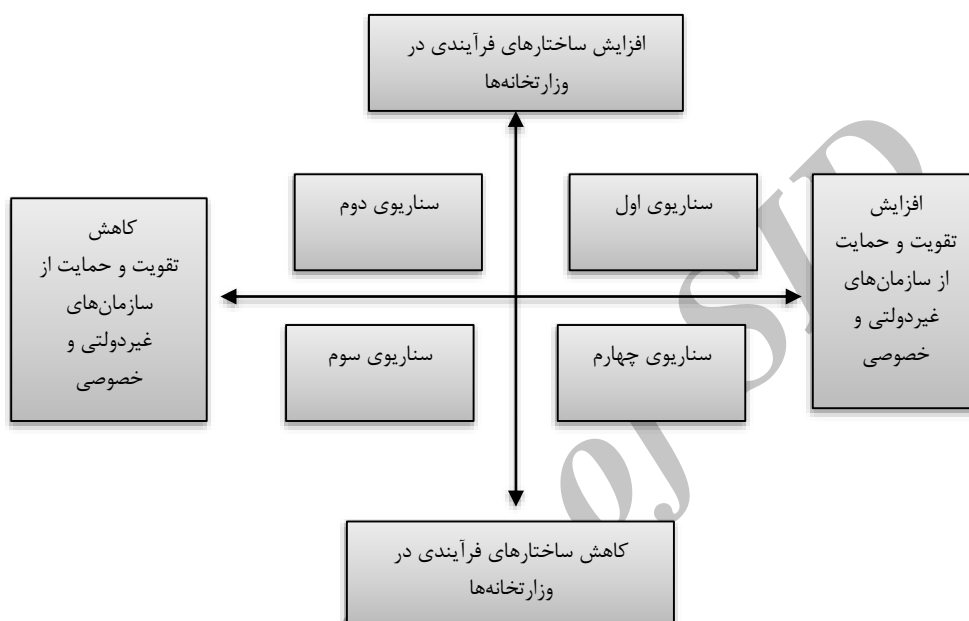
بر اساس نتایج به دست آمده، کمترین میزان اجماع متعلق به عدم قطعیت ۱۳ یعنی؛ نقش متولی‌گری است. در رتبه دوم کمترین اجماع‌ها، عدم قطعیت ۶ یعنی؛ تعداد وزارت‌خانه‌ها قرار دارد.

برای شناسایی عدم قطعیت موضوعات لازم است تا انحراف معیار پاسخ‌ها نیز بررسی گردد؛ به عبارتی دیگر هر چه انحراف معیار پاسخ‌دهندگان بیشتر باشد، آن موضوع از عدم قطعیت بیشتری برخوردارند. بدین منظور از شاخص ضریب واریانس استفاده گردید. مشخص می‌شود که تفاوت‌های میان سه عدم قطعیت ۲ (رسمیت)، عدم قطعیت ۵ (تمرکز کارکنان در دولت مرکزی) و عدم قطعیت ۲۰ (اتخاذ تصمیمات سازمان بر اساس چانه‌زنی و مصلحت‌اندیشی) بیشتر می‌شود و چون عدم قطعیت ۲ از اجماع کمتری برخوردار است و به این ترتیب دارای عدم قطعیت شدیدتری است.

معیار دوم در خصوص شناسایی محورهای سناریوها میزان اهمیت آن عدم قطعیت در خصوص طرح آینده سازمان‌های دولتی ایران جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است. این معیار از آن جهت اهمیت می‌یابد که ممکن است عدم قطعیت‌های متعددی در زمینه طرح سازمان‌های دولتی ایران متناسب با الزامات اقتصاد مقاومتی وجود داشته باشد، که در خصوص آنها اجماع وجود ندارد، اما اساس موضوعات قابل توجهی در موضوع مورد مطالعه نیستند. این شاخص نشان دهنده میزان اهمیتی است که خبرگان برای یک عدم قطعیت در موضوع مطالعه قائل هستند. بر اساس نتایج بدست آمده بیشترین اهمیت متعلق به عدم قطعیت ۱۱ «تقویت و حمایت از سازمان‌های غیردولتی و خصوصی» و عدم قطعیت ۷ «ایجاد ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها» است بنابراین، عدم قطعیت ۷ و ۱۱ به عنوان محورهای سناریو نگاری انتخاب گردیدند. سناریوهای آینده در رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی بر اساس تقاطع دو محور عدم قطعیتی ساخته می‌شوند که دارای بیشترین عدم قطعیت و اهمیت هستند. به این ترتیب ترکیب دو شاخص اهمیت و عدم قطعیت می‌تواند مهم‌ترین محورهای سناریو را تعیین کند.

عدم قطعیت ۱۱ «افزایش یا کاهش تقویت و حمایت از سازمان‌های غیردولتی و خصوصی» و عدم قطعیت ۷ «افزایش یا کاهش ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها» محورهای سناریوها را شکل دادند. در شکل زیر محورهای سناریو بر اساس نتایج پرسش‌نامه‌های عدم قطعیت به تصویر کشیده شده است.

شکل-۲. چارچوب سناریوهای طرح سازمانهای دولتی آینده برای تحقق اقتصاد مقاومتی



در هر یک از چهار سناریوی به دست آمده در خصوص طرح سازمان‌های دولتی آینده ایران متناسب با الزامات اقتصاد مقاومتی به پرسش‌های پژوهش حاضر پاسخ داده شده است. پژوهشگر به منظور غنابخشی به سناریوهای تحقیق از روش‌های پانل خبرگان و مصاحبه عمیق با خبرگان نیز استفاده نموده است. مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته در این پژوهش با ۲۵ نفر از خبرگان دارای دانش ضمنی انجام شد.

۵. نتیجه گیری

این پژوهش به برر سی ۲۶ عامل کلیدی تاثیر گذار بر آینده سازمان‌های دولتی ایران ۱۴۰۴ برای تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت و در این راستا دو عاملی که بیشترین عدم قطعیت را داشتند به عنوان محورهای سناریو نگاری انتخاب گردید و در فضای چهارگانه ایجاد شده به پاسخ به پرسش‌های پژوهش پرداخته شد. با توجه به اینکه عمده کالاهای تولیدی و خدمات اقتصاد ایران بر اساس غیررقابتی و دولتی و رانتهی و یارانه‌ای تولید می‌شوند، لذا از قابلیت‌های رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی برخوردار نیستند. وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی و تکیه بر صادرات مواد خام و به‌ویژه نفت خام، عدم تقارن در مبادلات کالایی برای اقتصاد ایران را

به وجود آورده است. سهم اندک صادرات صنعتی با فنآوری بالا در مجموع صادرات کالایی و جلب و جذب اندک سرمایه‌های خارجی طی سه دهه گذشته و انتقال بسیاری از منابع سرمایه‌ای، انسانی و مادی جامعه به کشورهای توسعه‌یافته و همسایگان جنوبی خلیج فارس محدودیت‌های بسیاری برای خیز اقتصاد و توسعه ملی فراهم کرده است. تحولات سیاسی و عدم ثبات دیدگاهها، سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ملی و تغییرات گسترده در روش‌های اجرایی از جمله موانع عمده در افزایش سهم اقتصاد ایران از اقتصاد جهانی است. توسعه نیافتگی ساختار و نظام‌ها و زنجیره‌های تولید کالا و خدمات، شکنندگی و آسیب‌پذیری بسیاری را از دیدگاه تجاری، صنعتی و تولیدی برای کشور و اقتصاد به وجود آورده است. اتخاذ استراتژی جایگزین واردات در دوران جنگ تحمیلی و سال‌های پس از آن، فرصت تولید کالاهای مشترک توسط بنگاه‌های ایرانی و خارجی برای کسب سهم بیشتر بازار را از جامعه اقتصادی ایران گرفته است و هم‌اکنون برای انتخاب استراتژی توسعه صادرات و با ترکیبی از سایر راهبردهای تجاری، نیازمند سازماندهی مناسب ساختار و فرآیندها و فنآوری‌های تولید در بعد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک ایران و جذابیت توانایی رشد بالای توسعه ملی از قوت‌های کم‌نظیر کشور در جلب سرمایه و فنآوری و رشد تجارت است، که این ظرفیت‌های استفاده نشده بستر مناسب همکاری‌های فنی، علمی و اقتصادی با سایر کشورهای توسعه‌یافته و همسایگان را فراهم کرده است. به‌کارگیری قابلیت‌ها و تبدیل آن به مزیت‌های تجاری و رقابتی با بهره‌گیری از چرخه بهره‌وری منابع استراتژیک یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر ملی است و به عنوان یک الزام راهبردی در تعیین و شکل‌دهی مسیر آینده ایران خواهد بود (رضایی قائد و مبینی دهکردی، ۱۳۸۶: ۵۴۱-۵۴۰).

حال به تحلیل و بررسی سوالات پژوهش در خصوص چهار فضای سناریو پیش‌روی آینده سازمان‌های دولتی ایران می‌پردازیم.

۵-۱. فضای سناریوی اول

در این سناریو، دولت هم از خصوصی‌سازی و هم از فرآیند محوری حمایت می‌کند. دولت می‌تواند از خصوصی‌سازی و فرآیند محوری برای تحقق اقتصاد مقاومتی استفاده نماید. خصوصی‌سازی می‌تواند با توجه به فرایندها منطبق شود. مشکلات خصوصی‌سازی و موانع پیش‌روی با این برنامه‌ها می‌توانند بر طرف شوند. همچنین تنگناها و مسائل مربوط به فرآیندها و عملیات متنوع دولت در این رابطه به سرعت رفع می‌شوند. در فضای سناریوی اول، افزایش تقویت و حمایت از سازمان‌های غیردولتی و خصوصی و افزایش ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی منجر به تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی خواهد شد. موضوع حمایت از بخش خصوصی و تسریع فرآیند خصوصی‌سازی واقعی، ارتباط بسیار تنگاتنگی با افزایش ساختارهای فرآیندی در تشکیلات دولتی دارد و این دو موضوع هم‌افزایی دارند. وقتی ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها ایجاد می‌شود بیشتر نتیجه کار مورد توجه قرار می‌گیرد نه انجام دادن صرف وظیفه. در بخش خصوصی هم،

تمرکز بر فرایند کار و نتیجه آن است و این دو با یکدیگر همخوانی پیدا می‌کنند. اگر دولت بخواهد به ایفای نقش قابله‌گری و پرورش‌گری بپردازد و از نقش تصدی‌گری و متولی‌گری خود دست بکشد، لازم است توجه خود را در ساختارها، تشکیلات و وزارت‌خانه‌ها، به فرآیندها و عملیات معطوف کند و تا نقطه‌ای اندازه خود را افزایش دهد که به افزایش رشد اقتصادی منجر شود؛ دولت به منظور انجام وظایفی که بر اساس موازین قانونی بر عهده دارد، دست کم باید ۲۳ تا ۲۸ درصد تولید ناخالص داخلی را صرف تامین کالاهای عمومی و ارجحیت‌دار کند.

پیامد سناریوی اول این است که در صورتی که دولت اندازه خود را منطقی نماید، بخش خصوصی و غیر دولتی را فعال سازد و سازمان‌های دولتی از حالت وظیفه‌ای به سمت فرآیند محور حرکت نمایند یکی از مسیرهای تحقق اقتصاد مقاومتی تسهیل شده است. سازوکار تحقق اقتصاد مقاومتی در سناریوی اول، در قدم اول، تغییر و تحول در نظام اداری است. تغییر در اندازه و نقش دولت، حمایت و تقویت بخش خصوصی و فرآیند محور بودن تشکیلات دولتی است.

۲-۵. فضای سناریوی دوم

در فضای سناریوی دوم، دولت به تبدیل ساختارهای وظیفه‌ای به ساختارهای فرآیندی در سازمان‌ها پرداخته در حالی که به حمایت از سازمان‌های غیردولتی و خصوصی به چشم تردید می‌نگرد. بنابراین توجه به ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها در حال رشد است که دولت نمی‌تواند پاسخگوی آن باشد. به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که به نوعی خصوصی سازی و فرآیند محوری به همدیگر مرتبط هستند و تحقق اقتصاد مقاومتی در این حالت بعید به نظر می‌رسد.

۳-۵. فضای سناریوی سوم

در فضای سناریوی سوم، کاهش تقویت و حمایت از سازمان‌های غیردولتی و خصوصی منجر به کاهش ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها خواهد شد. این سناریو به افرادی تعلق دارد که مخالف خصوصی سازی و برون‌سپاری هستند و مایلند دولت به همان روش قدیمی و کلاسیک خود ایفای نقش کند. در اینجا هم، دولت نسبت به سپردن کارها به بخش خصوصی و تمرکز به فرایندها بدبین هست. دولت می‌داند که تا به حال با چه چیزی سروکار داشته اما نمی‌داند که بعد از این با چه چیزی سروکار خواهد داشت.

۴-۵. فضای سناریوی چهارم

در فضای سناریوی چهارم، افزایش تقویت و حمایت از سازمان‌های غیردولتی و خصوصی منجر به کاهش ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها خواهد شد. در این سناریو دولت همچنان به حمایت و تقویت بخش

خصوصی تاکید دارد. اما در سمت دیگر دولت به کاهش رسمیت و سلسله مراتب و کاستن از توجه به وظیفه علاقه مند نیست و چون این دو عنصر کلیدی (خصوصی‌سازی و فرایند محوری) از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شوند، بنابراین دور از انتظار است که در این وضعیت نیز اقتصاد مقاومتی قابل دستیابی باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که اقتصاد ایران خاصیت برون‌گرایی ندارد و با ویژگی اصلی اقتصاد مقاومتی که درون‌زا بودن و برون‌گرایی است همخوانی ندارد. بررسی بازار، دولت و برنامه نشان می‌دهد که حجم و اندازه دولت به طور روزافزونی در حال گسترش است و تخصیص درستی در انجام وظایف حکومتی انجام نگرفته است و تمرکز در دستگاه‌های اجرایی، بیش از حد و توان ظرفیت‌های آنهاست. دستگاه‌ها و مجریان آنها نسبت به هدف و مأموریت سازمانی التزام و تعهدی ندارند و عدم «راهبرد بلند مدت» و عنصر مهم «تعهد» در برنامه‌های کشور مشهود است. اگر برنامه‌های دولت از حالت «اخباری» به «ارشادی» برای بخش خصوصی و «اجباری» برای بخش دولتی تبدیل شوند، و برای رعایت اصل تمرکززدایی، اختیارات بیشتری به شوراهای استانی و ملی واگذار گردد و راهبردهای آمایش سرزمینی طراحی و اجرا گردند می‌توان انتظار داشت دولت کارایی خود را بازیابد.

بعد از بررسی دو سناریو با بیشترین مقدار اهمیت و عدم قطعیت و تحلیل بخش‌های مختلف سازمان‌ها، لازم است عوامل داخلی و خارجی اصلی مانند عوامل ساختاری، اندازه دولت، نقش دولت، تعامل سازمان با محیط، تعاملات سازمان با سازمانهای دیگر مورد بررسی قرار بگیرد که بعد از تبیین این عوامل، بهتر است ابتدا روندهای آنها در گذشته تشریح و سپس به آینده تعمیم داده شود. البته هدف از این اقدام، پیش‌بینی صحیح آینده نیست، بلکه هدف آشنا شدن با اثرات این عوامل و پیامدهای ممکن ناشی از این اثرات محیطی است. به همین دلیل تشریح سه سناریوی متفاوت و مرتبط با هر عامل سودمند خواهد بود که عبارتند از: محتمل‌ترین، خوش‌بینانه و بدبینانه. در جدول زیر این سناریوها ارائه شده است:

جدول-۴. تبیین سناریوهای طرح سازمان‌های آینده دولتی برای تحقق اقتصاد مقاومتی

عوامل اصلی	سناریوی بدبینانه	محتمل‌ترین سناریو	سناریوی خوش بینانه
عوامل ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش رسمیت - افزایش سلسله مراتب - افزایش مشکلات در استخدام نیروهای برجسته جوان - کاهش وفاداری کارکنان به سازمان - کاهش تخصص‌گرایی - کاهش تمرکز کارکنان در دولت مرکزی - افزایش وزارتخانه‌ها - ایجاد ساختارهای فرآیندی در وزارتخانه‌ها - کاهش دخالت سازمان‌ها در اخذ تصمیمات عمده مربوط به اقتصاد مقاومتی - کاهش شکل‌گیری تشکل‌های اقتصادی در قالب تعاونی‌ها - کاهش خصوصی سازی 	<ul style="list-style-type: none"> - جذابیت استخدام افراد جوان هنوز هم حائز اهمیت است. - وجود روابط مشارکتی و شبکه - وفاداری به سازمان قابل قبول است - جذب کارکنان دانشی - توزیع منطقی کارکنان در بدنه دولت - ایجاد تناسب دقیق بین ساختارهای وظیفه ای و فرآیندی به صورتی که ساختارهای فرآیندی بیشتر شکل بگیرد. - دولت کارآمد، تسهیل کننده و متناسب با اوضاع و احوال صورت می گیرد. به جای نقش هدایت کنندگی نقشی تسهیل کننده داشته باشد. - دولت به جای اینکه مستقیماً عامل رشد و توسعه باشد، بیشتر به عنوان یک همکار و یاری دهنده عمل می‌نماید. 	<ul style="list-style-type: none"> - استخدام در بین جوانان با اقبال مواجه خواهد شد. - کاهش رسمیت - کاهش سلسله مراتب - افزایش وفاداری کارکنان به سازمان - افزایش تخصص‌گرایی - تمرکز کارکنان در استان‌ها - کاهش وزارتخانه‌ها - ایجاد ساختارهای وظیفه‌ای در وزارتخانه‌ها - افزایش دخالت سازمان‌ها در اخذ تصمیمات عمده مربوط به اقتصاد مقاومتی - افزایش تعاونی‌ها - افزایش خصوصی سازی

عوامل اصلی	سناریوی بدبینانه	محتمل‌ترین سناریو	سناریوی خوش بینانه
اندازه دولت	افزایش اندازه دولت	- رشد اقتصادی کشور کند میشود. - رقابت به طور چشمگیری شدید می‌شود.	کاهش اندازه دولت
نفس دولت	- افزایش بدهی‌های دولت و عدم علاقه آن به سرمایه‌گذاری زیربنایی. - پایین آمدن قیمت نفت تا حد ۶۰ دلار در هر بشکه - افزایش نقش تصدی‌گری و متولی‌گری دولت	- دولت سرمایه‌گذاری زیربنایی خواهد کرد. - تغییر ساختار اقتصاد ایران آغاز شده است.	- بالارفتن قیمت نفت تا حد ۲۰۰ دلار در هر بشکه - افزایش نقش پرورش‌گری و قابل‌گری دولت
تعامل با محیط	تأثیرپذیری کامل از محیط بین‌المللی و پدیده جهانی شدن	- تعامل جهانی، برون‌گرایی منطقه‌ای و اتحاد و همکاری	تأثیرگذاری بر محیط بین‌المللی
تعامل افراد در سازمان با یکدیگر	روابط خشک افراد در درون سازمان با یکدیگر	- تعهد کارکنان متخصص به حرفه - ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان - تقویت سرمایه اجتماعی	روابط سازنده افراد در درون سازمان با یکدیگر
همشکلی ناشی از اجبار	تأثیرپذیری کامل از سازمان‌های دیگر	عدم تطابق و هماهنگی سازمان با سایر سازمانها توسط فشارهای قهری (اجباری)	تطابق و هماهنگی سازمان با سایر سازمانها توسط فشارهای قهری (اجباری)
همشکلی ناشی از تقلیدی	عدم هم‌رنگی و تقلید از سازمانهای دیگر	تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر سازمان‌های دیگر	هم‌رنگی و تقلید از سازمانهای دیگر

عوامل اصلی	سناریوی بدبینانه	محتمل‌ترین سناریو	سناریوی خوش بینانه
همشکلی ناشی از هنجاری	-عدم نظارت و حمایت دولت از بازار بر اساس نظام «تطبیق» و «سنجش» -جذب مدیران عالی سازمان از موسسه‌های داخلی و خارجی - عدم توجه به مسیرهای پیشرفت حرفه‌ای در سازمان - ترک مدیران ارشد	- نظارت و حمایت دولت از بازار بر اساس نظام «تطبیق» و «سنجش» - جذب مدیران عالی سازمان از موسسه‌ها و دانشکده‌های برجسته -افزایش حقوق و مزایا به نسبت افزایش هزینه زندگی محدود می‌گردد.	-نظارت دولت بر بازار و حمایت از آن -جذب مدیران عالی سازمان از موسسه‌ها و دانشکده‌های برجسته و خاص -وجود مسیرهای پیشرفت حرفه‌ای در سازمان -گزینش مدیران ارشد از مسیر ارتقای کارشناسان تخصص‌های خاص

۵-۵. قوت‌ها و ضعف‌های سازمان‌های آینده بر اساس جدول بالا

در بعد ساختاری محتمل‌ترین سناریو این است که روابط مشارکتی و شبکه‌ای در سازمانها اتفاق خواهد افتاد، عنصر وفاداری به سازمانها بیشتر شده و جذب کارکنان دانشی در اولویت کار آنها قرار خواهد گرفت. ساختار سازمانها فرایندی بوده، دولت نقش هدایت‌کنندگی و تسهیل‌کنندگی خواهد داشت و دولت به جای اینکه مستقیماً عامل رشد و توسعه باشد، بیشتر به عنوان یک همکار و یاری‌دهنده عمل می‌نماید. اما سناریوی بدبینانه در سازمان‌های دولتی آینده، افزایش رسمیت، سلسله‌مراتب، افزایش مشکلات در استخدام نیروهای برجسته جوان و کاهش تخصص‌گرایی است.

تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش رقابت، افزایش سرمایه‌گذاری زیربنایی دولت، تعامل جهانی، برونگرایی منطقه‌ای و اتحاد و همکاری از ویژگیهای محتمل سازمان‌های آینده است.

در بعد همشکلی نیز عدم تطابق و هماهنگی سازمان با سایر سازمانها توسط فشارهای قهری (اجباری)، تاثیر پذیری و تاثیرگذاری بر سازمان‌های دیگر و نظارت و حمایت دولت از بازار بر اساس نظام «تطبیق» و «سنجش» قابل تصور است.

منابع

- آن، جو (۱۳۹۲)، مرگ مدیریت مدرن رهبری در دنیای جدید بی‌نظم، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات اندیشه‌های گهربار.
- اتزیونی، امیتای (۱۳۸۶)؛ **تئوری‌های سازمان و مدیریت (جلد ۱)**، ترجمه حسین رحمان سرشت، تهران، انتشارات نشر دوران.
- احمدی آرم، هادی؛ حسین حسن‌زاده، مصطفی امامی؛ **دورکاری: شکل جدید کار در سازمان‌های آینده**، سومین کنفرانس مدیریت اجرایی، ۲۴ و ۲۵ مهرماه ۱۳۹۱.
- ایکاف، راسل؛ جیسون مگیدسون، هربرت ادیسون (۱۳۸۶)؛ **طراحی آرمانی (خلق آینده سازمان)**؛ ترجمه مسعود سلطانی؛ تهران: انتشارات آسیا.
- ایمانی، عباس و قطمیری، امیررضا (۱۳۸۸)، **قانون اساسی در نظام حقوقی ایران (پیشینه، آموزه‌ها و قوانین)**، انتشارات نامه هستی.
- بامبرگر، پیتر. ایلن مشولوم (۱۳۸۱)، **استراتژی منابع انسانی**. ترجمه محمد اعرابی و علی پارسائیان انتشارات: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۰)، **آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جائیندر، گوپتا؛ شارما سوشیل (۱۳۹۰)؛ **خلق سازمان‌های دانش محور**، ترجمه عباس منوریان، اصغر محمدی فاتح و فضل ا... زارع پور، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- جمشیدی، مهدی، (۱۳۷۸)، **سیر تحولات آینده سازمان‌ها**، فصل‌نامه حسابدار، سال چهاردهم شماره ۱۳۷.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، **مبانی، اصول و روش‌های آینده پژوهی**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- خزایی، سعید و امیر محمودزاده (۱۳۹۲). **آینده پژوهی**، اصفهان: انتشارات علم آفرین.
- دراکر، پیتر (۱۳۷۸)، **سازمان فردا (جلد ۱)**، گردآورنده فرانسیس هسلین، مارشال گلد اسمیت، ریچارد بکهارد، ترجمه فضل الله امینی، انتشارات مدیریت فردا.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۷۳)، **سیاست‌های اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری**، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- رضایی میرقاند، محسن و علی مبینی دهکردی (۱۳۸۶) **ایران آینده در افق چشم‌انداز**، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- زالی، نادر (۱۳۹۲)، *آینده‌نگاری راهبردی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سرلک، محمدعلی؛ صید مهدی ویسه، یاسان الله پوراشرف، حسین مهدیزاده، *طراحی مدل سازمان معنویت‌گرا در آموزش عالی ایران*، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال پنجم، شماره هجدهم، زمستان ۱۳۹۱، ۲۴ تا ۵.
- شفریتز، جی ام؛ ای دیلو، راسل (۱۳۹۱)، *مبانی مدیریت دولتی جلد ۱*؛ ترجمه غلامرضا معمارزاده طهران، تهران: انتشارات اندیشه‌های گهربار.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵)، *حقوق اداری تطبیقی*، انتشارات سمت.
- علیزاده، عزیز؛ وحید وحیدی مطلق؛ امیر ناظمی (۱۳۸۷)؛ *سناریونگاری با برنامه ریزی بر پایه سناریوها*؛ موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۴/۱۱/۵)، *دولت و توزیع مجدد ثروت و درآمد*، ضمیمه *تحلیلی ماهانه* روزنامه *دنیای اقتصاد*، شماره ۱۵ ص ۱.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۴/۲/۵)، *دولت، اقتصاد و مردم*، ضمیمه *تحلیلی ماهانه* روزنامه *دنیای اقتصاد*، شماره ۷، ص ۱.
- قلی‌پور، رحمت ا... (۱۳۹۲)، *چالش‌های نظام اداری بررسی موردی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مورتی، کریس (۱۳۸۸)، *چالش‌های مدیریت در هزاره سوم*؛ ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی و عادلہ سادات احمدپور، تهران: نشر مدیران.
- میرسپاسی، ناصر (۱۳۸۴)، *مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار (تمرین و مقالات)*، تهران: انتشارات میر.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۶)، *مبانی اقتصاد*، تهران: نشر نی.
- هدی، فرل (۱۳۹۲)، *اداره عمومی تطبیقی پیشرفته*، ترجمه غلامرضا معمارزاده طهران و سید مهدی الوانی، تهران: انتشارات اندیشه‌های گهربار.
- همل، گری و بیل برین (۱۳۹۰)، *آینده مدیریت*؛ ترجمه حسین حسینیان؛ تهران: انتشارات فرا.
- هیوز، آون (۱۳۸۸)، *مدیریت دولتی نوین*، ترجمه غلامرضا معمارزاده، سید مهدی الوانی و سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات مروارید.
- هیوم، دیوید و ترنر، مارکف (۱۳۷۹)، *حکومت داری، مدیریت و توسعه*، ترجمه: عباس منوریان، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

Aldrich, H. F., پLocal (1981) **Government in Developing Countries**, پ, New York, McGraw- Hill.

Fernando ,M (2007), **Spiritual Leadership in the Entrepreneurial Business A Multifaith Study**, Senior Lecturer, School of Management and Marketing, University of Wollongong, Australia, p.97-99.

Hill Micharl & Hupe Peter, **Implementation Public Policy**, 2002 Printed and bound in Great Britain by Athenaeum Press, Gates head.

Miller, L. (1998), ``**after their checkup for the body, some get one for the soul**`, The Wall Street Journal, 20 July, pp. A1, A6.

Riggs Fred w.,(1970) ,**Development Administration in Asia**, Edited by Edward w.weinder, Published in cooperation with the comparative Administration Group of the American society for public administration Duke university Press Durham, North Carolina. The Idea of Development Administration.

Tourish, D, Tourish, N, (2010), **Spirituality at Work, and its Implications for Leadership and Followership: A Post-structuralism Perspective**, Vole 6(2): PP, 207 تا 224.

Walter W. Powell & Paul J.Dimaggio (1991) "**the new institutionalism, in Organizational Analysis**". Chicago: University of Chicago Press.

The Futures Study of Public Organization in accordance with the Requirements of Resilient Economy

Mohammad Mobini, Gholamreza Memar zade

Received: 09 February 2015 **Accepted:** 10 January 2016

The purpose of this study is to foresight future public organizational accordance with the requirements of resilient economy. Data of this study was collected via cross-impact questionnaire, Uncertainty questionnaire, Semi-structural interviews, expert panels & explanatory studies. The first step is to review literatures and determine the key factors and cross impacts of them in the primary questioner. After cross impact analysis of primary questioner by structural analysis, we indicated the uncertainties of resilient economy. This method is completely expert based and finally we write scenarios by the expert panels and interviews. The study's finding shows that Increase or decrease the "support of the private sector and non-governmental" and "creation process structures in ministries and state administration" for the realization of the uncertainties facing the economy is its strength. Governmental approaches, government's role, privatization & process-driven, will affect the realization of resilient economy.

Key Word: *The Futures Study, public organization, resilience economy, rationality.*